

قیام های شیر زنان و رادمردان کابل از سوم حوت 1358 تا بهار 1359 هجری شمسی

قیام های جهادی وطن ما افغانستان حرکت زودگذر و بدون پیامدی نبوده است که بزودی از اذهان ملت مؤمن و رنجیده ما زدوده شود. بلکه در زمره حماسه های جاویدان تاریخ انسانیت ثبت گردیده است. ارزش والا و پراهمیت قیام های جهادی آنگاه نمودار شد که در اثر جهاد مردم مؤمن ما پوزه قدرت جهانی روس بخاک مالیده گردید و برای همیشه نه تنها بر تر سیطره جوئی استعمار سرخ خط بطلان کشیده شد بلکه ساحه استعماری کمونیزم در جهان از هم پاشید و زنجیر اسارت از دست و پای اروپای شرقی و آسیای مرکزی باز و مشعل فروزان راه یابی رهائی برای جهانیان روشن گردید. یکی از قیامهای جهادی مردم مؤمن ما، قیام های شیر زنان و رادمردان کابل از 3 حوت 1358 تا بهار 1359 هجری شمسی میباشد؛ که شمه از آن را درین نوشتار ثبت مینمائیم

چهره های منحوس عساکر روس در شهر زیبای کابل روی شانته های مسلمانان سنگینی میکرد و مردم مؤمن و آزادمنش کابل زیر شلاق جنایات و ظلم و ستم اجنبیان و نوکران خود فروخته با رنج، اندوه و نا آرامی به اندیشه روشن نمودن چراغی بودند. تا چهره های سیاه این خون آشامان را محو و نابود نمایند. عشق و ایمان به صراط المستقیم در رگهای آزادی خواهانه مؤمنین روح حرکت را مینگاشت و هر لحظه گمان آن میرفت که فریاد های که در سینه ها اسیر مانده اند پر و بال کشند و گوشه های زمین و آسمان را غرق نعره های ملکوتی نمایند. آرزوی مقدس نجات و آزادی در سایه دین مقدس اسلام نیرو و انرژی بود که دلهای مؤمنان را به هم نزدیک ساخته و عمر انتظار ها به پایان میرسد. تا اینکه در دوم حوت 1358 هجری شمسی مردم شجاع و غیور کابل دروازه های دکان ها را به رسم مخالفت با رژیم الحادی بستند و فریادهای گره شده در دلها به لب ها رسیده بود. مؤمنین در چهره های یکدیگر پیام ها را میخواندند و پیوند و همبستگی را در چشمهای یکدیگر ملاحظه میکردند. روز دوم حوت 1358 مثل اینکه روز آماده گی و نظم و انسجام باشد با یک نوع شوق و امید به لحظات آخر خود میرسید. در غروب خونین مثل اینکه خون انتظار ها ریخته باشد دامن آسمان گواهی و مژده شرایط نیک را زمزمه مینمود. آنگاه که چادر سیاه شب بر دامن آسمان وزمین کابل کشیده شد؛ مردم مؤمن و آزادمنش پشت بامها و کنار کلکین های خانه ها رفتند تا با نعره های الله اکبر الله اکبر چراغ درخشانی بر در دیوار کابل روشن نمایند. چراغی که پر و بال ملحدین را سوختانده و صبح پیروزی را میسر گرداند.

شهر کابل در آغوش تاریکی که ملحدین حکمفرمان نموده بودند؛ آخرین لحظات سکوت خود را تجربه میگردد و گوش مرد وزن پیر و جوان، دختر و پسر انتظار شروع حرکت و قیام را میکشید. آری آن لحظات هیجان انگیز در نبض شب تاریخی دوم حوت 1358 هجری شمسی تند تر میزد و دل آسمان و سینه زمین آغوش را برای شنیدن نعره های ملکوتی الله اکبر الله اکبر باز نموده بود. اولین تکبیر از بامهای شهر کهنه معیادگاه صاحب‌الان و شوریده گان دردمند بر فضای کابل طنین افکند. مثل اینکه نعره ملکوتی الله اکبر را فرشته ها همراهی نمایند بر در دیوار کابل پخش گردید و دلهای مؤمنان محبت الهی را روی سینه های خود حس کردند. آنگاه پیر مرد داغ دیده از چنداول با صدای گریه آلود فریاد کشید الله اکبر الله اکبر ... از پشت بام خانه نیم ویران در شور بازار بیه زن نوجوان مرده نعره الله اکبر الله اکبر پر سوزی از دل رنج دیده اش کشید.

کودک یتیمی که قطرات اشک در سردی زمستان روی گونه هایش یخ بسته بود با صدای گریه آلودی از کلکین خانه در ده افغانان الله اکبر الله اکبر میگفت. جوانان، پیران مردان و کودکان از هر گوشه کابل فریاد ملکوتی الله اکبر الله اکبر کشیدند و این نعره های مقدس دست بدست هم داده آتش را فراموش ناشدنی ساختند. دیوار کابل، برجهای بالا حصار، دروازه های مستحکم ارگ، آسمانی و شیر دروازه از آن همه نعره های ملکوتی که از حنجره ده ها هزار انسان سر بر کف بلند میشد؛ به شدت میلرزید. پنداشتی که عرشیان و خاکیان همه باهم فریاد میکشند و دل افق وزمین را در هم میشکافند. با اوج نعره های الله اکبر دلها بیشتر به تپش می آمد و قیام را مستحکمتر میساخت. گویی نعره های الله اکبر چون نیرو و انرژی تازه دست و پای مؤمنان را به حرکت و امید دارد. احساسات پر تپش، گامها را از خانه ها بسوی جاده ها رهنمون مینمود و جاده های خلوت کابل چشم براه گامهای مردانه مؤمنان بودند که در دل شب رد پای کثیفان و

ملحدین را از چهره شان پاک نماید . دروازه های خانه ها باز گردید و در دل شب هزاران انسان جان نثار تکبیر گویان از دامنه های آسمانی ، شیر دروازه ، شهر کهنه ، شور بازار ، چندانول ، کارته پروان ، ده بوری ، قلعه شاده ، جمال مینه ، قلعه فتح الله ، خیر خانه ، قلعه جواد ، وزیر آباد ، کوته سنگی وسایر نقاط کابل به راهپیمائی تاریخی دست زدند .

نعرهء ملکوتی الله اکبر الله اکبر روی دلهای سیاه وتاریک روسها و نوکران شان چنان ترس و وحشت را خلق کرده بود که چون موشهای موزی در گوشه ها پشت پناه گاه سرگردان و عدهء ظالم و خونخوار درون تانکهای زره پوش چهره ها ی کثیف خود را پنهان کرده بودند و ظالمانه با فیرهای هوائی و گاهی هم بسوی مردم ، چهره های حقیقی ضد مردمی خود را نمایان میساختند . شب تاریخی الله اکبر بدون شک زنگ خطر را بر دروازه های ملحدین کوبید و صفحه فراموش ناشدنی بر تاریخ جهاد مردم قهرمان ما ثبت گردید .

هنوز رشته سیاه شب از رشته سفید روز جدا نشده بود که انتظار دوام حرکت شب ، پیش بینی میگردید . مؤمنان مثل اینکه با نعره الله اکبر عهد و پیمان فردا بسته باشند ؛ صبح 3 حوت 1358 از هر گوشه وکنار کابل زن ومرد دست بدست هم داده و مبارزات حق خواهی بر ضد روسها و نوکران شان دوباره جریان پیدا کرد . در جمال مینه وکوته سنگی تکبیر گویان بر مأموریت های پولیس حمله نمودند و سرهای ملحدین را از تن جدا ساختند . در وسط شهر کابل بسوی دفتر فرهنگی روسها مقابل بلدیة حرکت کردند و با یک چشم بهم زدن آنرا زیر و روی نموده با خشم ونفرت روی کتب وآثار الحادی پای گذاشتند و تف بر روی عکسهای رهبران ملحدین انداختند . در گوشه دیگر شهر کتابخانه بیهقی را که مرکز پخش اندیشه های الحادی و مسموم کننده شده بود ؛ به آتش کشیدند .

نزديک چهار راهی حاجی یعقوب زنان داغیده کابل با گریه وناله راهپیمائی میکردند . در هر گوشه وکنار کابل این قیام مقدس به نظر میخورد و نعره های الله اکبر و فریاد های ضد روسی و تشویق بر ضد ملحدین در فضای کابل پخش میگردید و اما آنسوی جبهه روسها ی خونخوار و نوکران حلقه بگوش شان با استفاده از آتش تانک وتوپ در مقابل مردم بیگناه در تمام کابل خصوصاً زنان بی دفاع در چهار راهی حاجی یعقوب عمل وحشیانه و ضد انسانی را مرتکب شدند و صد ها انسان معصوم را به جرم اسلام خواهی زیر رگبار مسلسل ها بستند و در ودیوار کابل را به خون شهدا رنگین نمودند . در غروب غم انگیز 3 حوت 1358 بیش از دوهزار شهید گلگون کفن زن مرد ، پیر وجوان در دامنه آسمانی وشیر دروازه افتخاری بر تاریخ بشریت ولکه ننگی بر دامن روسها ونوکران ملحد شان ثبت نمودند .

هنوز خون شهدا 3حوت 1358 از در ودیوار کابل خشک نگردیده بود ؛ که روسها ونوکران شان با تجاوز به حریم خانه ها ، مؤمنان را اسیر وبا رگبارها و زنده بگورکردن ها دل بازماندگان را شرخه شرخه خون ساختند . آری اینبار با شروع سال تعلیمی در موسوم بهار جوانان دختر وپسر بجای میله وگلگشت باغها به اندیشه سرنوشت مردم ووطن خود تخم حرکت مقدس دیگری را کاشتند و در یک روز تاریخی دختران سلحشور و غیور با اسلحه ایمان و سپر حجاب وعفت در مقابل روسها و وطن فروشان قیام کردند . دوشیزه گان با ایمان (ناهیدها) چون فرشته گان مقدس از مکاتب عایشه درانی ، سوریا ، آریانا ، ملالی ، رابعه بلخی ، زرغونه ، آمنه فدوی و دیگر مکاتب شدیدترین مظاهرات ومبارزات را بر ضد روسها ووطن فروشان براه انداختند . روسها واجیران شان با استفاده از تانک ، توپ و مسلسل بر روی دختران پاک آتش افروختند و دوشیزه گان مسلمان تکبیر گویان سینه های پر از ایمان را سپر نمودند و با خون پاک خود در ودیوار کابل را یک بار دیگر رنگین ساختند .

جنبش الله اکبر الله اکبر شب 2حوت 1358 هجری شمسی و قیام جان نثارانه 3حوت 1358 با ادامه آن قیام دختران مکاتب کابل الگوی مبارزات در دامنه آسمانی و شیر دروازه بر ضد روسها ووطن فروشان ملحد بوده و این قیامهای مقدس همنوا وهمسنگر با قیامها و جهاد مقدس مردم جان نثار و فداکار ما در سرتاسر وطن عزیز ما افغانستان باعث شکست روسها گردیده و چون گوهر فروزانی بر تاریخ جهان میدرخشد . ما در حالی که از جهاد بر حق ، قیام ها ومبارزات صادقانه خواهران جان نثار وبرادران فداکار مسلمان خود در سراسر افغانستان با قدردانی یاد مینمائیم درود بی پایان بر روح پاک همه شهدا افغانستان خصوصاً شهدا 3حوت 1358 هجری شمسی و قیام قهرمانانه دختران مسلمان مکاتب کابل میفرستیم .

بهار خونين کابل

بهار خونين کابل

در دشت و دمن لاله خوش رنگ زده سر
 گلها شده بر شاخ درختان همه پرپر
 از جوی شنو زمزمه آب مکرر
 از عطر کلاب است خجل نگهت عنبر
 افسوس که عشاق غزل خوان همه خاموش
 بر ماتم گلهای بهارند سیاه پوش

گل غندی و پغمانش چه زیبا و قشنگ است
 در کوی خرابات همه ناله چنگ است
 سر خانقاه کوی همان پیرملنگ است
 در کوچه عشاق جوانمردی و ننگ است
 ای وای که ویران شده کاشانه کابل
 گلگون کفنان خفته به هر خانه کابل

گویند بهار است گل و سبزه بخندد
 شبم به رخ سبزه دری اشک ببندد
 بر گردن گل غنچه حمایل بپسندد
 گلهای چمن از وزش باد بجنبند
 افسوس که لاله زدل خون کفنان است
 از چشم یتیمان وطن اشک روان است
 گیتی به تن پر گل و پر غنچه بنازد
 گل عطر بهاری به گلستان ببازد
 در شاخه پر برگ غناری بنوازد
 بلبل به ترنم غزل تازه بسازد
 افسوس که آهنگ وطن جز غم و آه نیست
 بر زخم یتیمان وطن هیچ دوا نیست
 از فیض بهاران همه جا تازه چمن شد
 پیراهن صحرا همه سوری و سمن شد
 سنبل به دل انگیزی آهوی ختن شد
 رنگین چو پرزاده همه دشت کهن شد
 گل را چه قشنگیست به تاریک شبستان
 بر کابل خونین «چه بهار و چه زمستان»